

دوفصلنامه ادبیات پهلوانی، دانشگاه لرستان
سال چهارم، شماره ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۹

بررسی و تحلیل نمود مراسم آشناسازی در حماسه برزنامه

بر پایه نظریه میرچا الیاده

جبار نصیری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷

اسحاق طغیانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴

چکیده

مراسم پاگشایی یا آیین رازآموزی که در زیرمجموعه الگوی اسطوره قهرمان قرار می‌گیرد، در بر دارنده مجموعه‌ای از آیین‌ها و فنون است که هدف غایی آن، آشنا ساختن انسان با امر قدسی و موجودات برتر است. یکی از این مراسم و آیین‌ها، آشناسازی سن بلوغ در میان اقوام مختلف است که در زیرساخت، دارای ساختاری مشابه و یکسان است؛ ساختاری که بر مبنای آن میرچا الیاده الگوی جهان‌شمول را برای آشناسازی سن بلوغ در میان آیین‌ها، مناسک و سایر متون ارائه می‌دهد. از این دیدگاه، به نظر می‌رسد داستان حماسی برزنامه، اثر عطاءبن یعقوب ناکوک‌رازی، از لحاظ زیرساخت و پیرنگ روایی، روایتگر مراسم آشناسازی سن بلوغ باشد؛ بدین گونه که برزو، نوآموز این حماسه، با پشت سر گذاشتن موفقیت‌آمیز آیین‌های آشناسازی سن بلوغ، در میان طبقه جنگاوران پذیرفته می‌شود.

واژگان کلیدی: آشناسازی، حماسه، برزنامه، الیاده، ساختار.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) jabbarnasiri@gmail.com

۲. استاد دانشگاه اصفهان etoghiani@yahoo.com

مقدمه

اگرچه تنوع فراوان اسطوره‌ها، یافتن پیرنگ و الگوی مشترک در میان همه اساطیر جهان را با دشواری روبرو می‌سازد؛ اما برخی از محققان الگوهای جهان‌شمولی را برای اسطوره‌ها ارائه کرده‌اند. لارنس کوپ یکی از این محققان است که در کتاب خود با عنوان «اسطوره» به طبقه‌بندی موضوعی اساطیر اقدام کرده است و چهار الگوی باروری، آفرینش، نجات و قهرمان را پیشنهاد می‌کند. به اعتقاد کوپ، همه اساطیر موجود را می‌توان در زیرمجموعه این چهار موضوع قرار داد (کوپ، ۱۳۸۴: ۲۳). ویلفرد گرین و همکاران نیز بر پایه انگاره‌های کهن‌الگویی، همه اساطیر را در سه رده خلقت، جاودانگی و قهرمان دسته‌بندی می‌کنند (گرین و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۶).

یکی از این الگوها، الگوی اسطوره تک‌قهرمان است که جوزف کمبل، اسطوره‌شناس آمریکایی، به تحقیق و تفحص درباره چگونگی و چرایی آن بر اساس اساطیر سایر ملل پرداخته است. کمبل اعتقاد دارد تمام داستان‌ها و اسطوره‌های قهرمانی جهان، ساختار روایی واحد و تکرارشونده‌ای دارند که همیشه از یک نقطه شروع و به نقطه‌ای مشخص می‌انجامد و بر همین اساس، الگوی اسطوره تک‌قهرمان را با استناد به متون ملل مختلف پایه‌ریزی می‌کند و هسته‌ای را که در بر دارنده سه بخش جدایی، تشریف و بازگشت است، برای تمام داستان‌ها و اسطوره‌های قهرمانی دنیا ارائه می‌کند و خلاصه داستان تمام اسطوره‌های قهرمانی را این‌گونه معرفی می‌کند:

«یک قهرمان از زندگی روزمره دست می‌کشد و سفری مخاطره‌آمیز به حیطة شگفتی‌های ماوراءالطبیعه را آغاز می‌کند: با نیروهای شگفت در آن‌جا روبرو می‌شود و به پیروزی قطعی دست می‌یابد. هنگام بازگشت از این سفر پر رمز و راز، قهرمان نیروی آن را دارد که به یارانش برکت و فضل نازل کند» (کمبل، ۱۳۸۹: ۴۰).

علاوه بر کمبل، پژوهشگرانی چون فرای، الیاده و... از جنبه‌های مختلف دربارهٔ الگوی اسطورهٔ قهرمان، نظراتی ارائه کرده‌اند (معقولی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۷). الیاده، به عنوان یکی از محققان، از واژهٔ گذار یا آشناسازی برای این داستان تکرارشونده و مشترک استفاده می‌کند و قائل به جنبهٔ قدسی و مذهبی برای ساختار آن است؛ درحالی‌که کمبل آن را نمود گذاری روانی برای عبور از مشکلات پیچیدهٔ روان انسان می‌خواند.

به نظر الیاده نمونه‌های مراسم پاگشایی یا آیین رازآموزی که به آن آیین تشریف نیز گفته می‌شود، در میان اکثر اقوام جهان یافت می‌شود. الیاده در کتاب «آیین‌ها و نمادهای آشناسازی» و جرج فریزر در کتاب «شاخهٔ زرین»، ساختار این مراسم و آیین را در میان سایر اقوام بدوی و کهن جهان، به‌طور مفصل، شرح و توضیح داده‌اند. با توجه به مراحل مطرح‌شده در کتاب الیاده، به نظر می‌رسد که حماسهٔ برزنامه، در یکی از لایه‌های معنایی، نمایانگر ساختار و مفهوم پاگشایی باشد. بر همین مبنا، در این مقاله به صورت مبسوط، به معرفی آشناسازی از دیدگاه الیاده پرداخته و سپس نمود آن را در ژرف‌ساخت برزنامه به همراه تحلیل نشان می‌دهیم. شایان ذکر است که تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به بررسی و تحلیل حماسهٔ برزنامه بر مبنای نظریهٔ میرچا الیاده نپرداخته است.

آشناسازی

به نظر میرچا الیاده، در هر جامعهٔ ابتدایی، مجموعه‌ای از سنت‌ها و مفهومی از جهان وجود دارد که در دورهٔ آشناسازی، به تدریج، بر نوآموز آشکار می‌شود. در جهان‌بینی گذشتگان، آفرینش انسان و پرداخت جهان، به وسیلهٔ موجودات فوق‌طبیعی، یکی از این باورهای بنیادی است که در جریان آن، جهان فوق‌طبیعی، از لحاظ شکل و از نظر مادی، مقدس می‌شود. این جهان مقدس (ساخته‌شده توسط موجودات فوق‌طبیعی) به نظر مردمان جوامع باستان،

دارای تاریخی بسته و مقدس و منحصر به حوادث معینی است؛ حوادثی چون: آفرینش جهان توسط موجودات فوق طبیعی، ظهور قهرمان متمدن سازی یا نیای افسانه‌ای، فعالیت‌های فرهنگی، ماجراهای جهان‌آفرینی و... که در آغاز اتفاق افتاده است. البته این تاریخ مقدس، برای آن‌ها تاریخ سرمشق نیز هست؛ زیرا چگونگی به وجود آمدن اشیاء، مبنای رفتار انسان و تمام نهادهای اجتماعی و فرهنگی را معرفی می‌کند. برای نمونه، الیاده در کتاب آیین‌ها و نمادهای آشناسازی، اشاره می‌کند برای مردمان پلینزایی یک شیوه معین صید ماهی که در آغاز توسط قهرمان افسانه‌ای صورت گرفته، بازگو شده است؛ بنابراین آن‌ها در ماهیگیری شیوه‌های دیگر ماهیگیری را بیهوده می‌دانند و هر وقت برای صید ماهی می‌روند، حرکات قهرمان افسانه‌ای را تکرار می‌کنند؛ به عبارت دیگر، از سرمشق فوق‌انسانی پیروی می‌نمایند. این مردمان بر پایه این باور که انسان مخلوق خدایان است، نتیجه می‌گرفتند که بسیاری از رفتارها و فعالیت‌های انسان نیز به تاریخ مقدس خلقت تعلق دارد؛ تا جایی که تمام بدعت‌ها را به‌عنوان آشکارسازی‌هایی با بنیانی فوق‌انسانی می‌پذیرفتند و در چنین بستری بود که اشیاء، سلاح‌ها، انگاره‌های رفتاری، نهادها، افسانه‌ها و اعتقادات، مبنای جادویی و مذهبی پیدا می‌کردند و این عناصر و آگاهی مربوط به آن‌ها، به صورت الهاماتی از موجودات فوق طبیعی به نیاکان نشان داده می‌شد.

برای رازآموزان، آموختن این مفاهیم با کلمات مقدور نبود؛ زیرا در واژه و آگاهی عینی نمی‌گنجید؛ لذا برای کسب آن، نوآموزان باید با آمادگی روحی، شایستگی کسب آموزش مقدس را پیدا می‌کردند؛ به عبارتی دیگر، به سبب آگاهی از این امور و تاریخ مقدس، تقرب حاصل می‌کردند و طی مراسمی سِرّی، توسط آموزگاران خود، مجموعه‌ای از آزمون‌های سخت را تحمل کرده و آموزش طولانی را از سر می‌گذراندند. وجود این آموزگاران، در جریان آشناسازی ضروری بود؛ زیرا از نظر این مردمان، انسان‌سازی بدون استادان روحانی



ممکن نبود. این استادان، در هیئت نمایندگان موجود قدسی، آنچه را که بر آن‌ها در آغاز زمان توسط موجودات فوق طبیعی آشکار شده بود، به نوآموزان ارائه می‌کردند؛ برای نمونه مواردی مانند: آفرینش درخت و حیوان، چگونگی راه رفتن در وضع ویژه، کندن ریشه‌ای خوردنی و در حالت ویژه از قرار گرفتن ماه به شکار پرداختن و... را به نوآموز آموزش می‌دادند. در بسیاری موارد، استادان آن موجودات را تجسم می‌بخشیدند.

اغلب این آزمون‌ها، از نظر نمادین، بر مرگی آیینی اشاره داشت که رستاخیر یا نوزایی جدیدی را در پی داشت. در میان این مردمان، زندگی نو بعد از نوزایی، وجود راستین انسان تلقی و تصور می‌شد؛ زیرا در طی این نوزایی بود که فرهنگ؛ یعنی ارزش‌های روح، بر نوآموزان هویدا می‌شد. البته ذکر این نکته ضروری است که تعریف آن‌ها با تعریف امروزی از فرهنگ متفاوت بود؛ بدین معنی که در جوامع باستان، بر خلاف تفکرات امروزی، فرهنگ فرآوردهٔ انسان نبود؛ بلکه دارای اصلی فوق‌طبیعی است که از طریق آن، انسان دوباره با جهان و موجودات فوق‌طبیعی ارتباط برقرار می‌کند و در نیروهای آفرینندهٔ آنان سهیم می‌شود.

عملکرد مرگ آیینی در آشناسازی، در ارتباط با نتیجهٔ آن؛ یعنی زادن در وضع عالی‌تر قابل درک است. به همین سبب در مراسم آشناسازی، لحظهٔ اصلی و برجسته، با مرگ نمادین نوآموز و بازگشت به حیات جمعی نشان داده می‌شد. در متون مختلف، این مرگ با تاریکی، شب کیهانی، رحم زمینی، کلبه و شکم هیولای دریایی، نشان داده می‌شود. این مرگ، به صورت نمادین، به پایان دوران کودکی، جهل، وضع کفرآمیز و بازگشت موقت به هیولا اشاره دارد. از نظر کمبل، «آیین‌های مراسم آشناسازی، کارشان کشتن من کودکانه و به ارمغان آوردن بلوغ برای دختر یا پسر است. این گذر برای پسران دشوارتر از دختران است؛ زیرا زندگی بر دختران پیشی می‌گیرد. دختر، خواسته یا ناخواسته، به زن تبدیل می‌شود؛ اما

پسریچه باید اراده کند تا به مرد تبدیل شود» (کمبل، ۱۳۹۱: ۲۰۸). از این رو مرگ بیان مثالی پایان وضع بودن و پایان نادانی و بی مسئولیتی کودک می باشد.

در پایان مراسم آشناسازی، نوآموز با پشت سر گذاشتن آزمون های سخت تبدیل به فرد دیگری می شود و با کسب ارزش های روحی و فرهنگی، آمادگی لازم را جهت ورود به جامعه به دست می آورد. همچنین انگاره های رفتار، فنون، افسانه های مقدس، سنت های قبیله، اسامی خدایان و تاریخ اعمال آنها را یاد می گیرد. فراتر از این ها، وی مناسبات رمزی میان قبیله و موجود فوق طبیعی، به عنوان مناسبات زمان نخستین و کلمات و ماجراهای خدایان و قهرمانان و قواعد آنها را فرا می گیرد و از این طریق با تاریخ مقدس جهان و انسانیت آشنا می گردد و از آن پس، به گونه مذهبی، به تکرار کنش و فعل آنها می پردازد. در مجموع، آشناسازی، تاریخ مقدس جهان را مختصراً تکرار می کند و به واسطه این تکرار مختصر، کل جهان از نو تقدیس می شود. الیاده در کتاب آیین ها و نمادهای آشناسازی، همه آشناسازی ها را در سه دسته، به شرح زیر طبقه بندی می کند:

دسته نخست شامل آیین های عبادی جمعی است که کارکرد آنها فراهم نمودن شرایط انتقال از کودکی به سن بلوغ است. قبول این آیین ها برای تمام اعضای جامعه مورد نظر الزام آور است. این آیین های عبادی مراسم سن بلوغ، آشناسازی قبیله ای یا آشناسازی وارد کردن به گروهی سنی نامیده می شود.

دسته دیگر شامل آشناسازی هایی است که برای تمام اعضای جامعه الزام آور نبوده و اکثر آنها، به صورت انفرادی یا گروهی اجرا می شوند. این آشناسازی؛ شامل آیین هایی است که برای ورود به انجمن سیری، گروه و انجمن اخوت به کار می روند. این انجمن های سیری خاص یک جنس می باشند.



دستهٔ سوم آشناسازی است که در ارتباط با حرفهٔ سیرّی است و آن در سطح ادیان نخستین در ارتباط با حرفهٔ داروگری یا جادوگری است. در این دسته، تجربهٔ شخصی دارای اهمیت خاصی است» (الیاده، ۱۳۶۸: ۲۵-۲۴).

مراسم آشناسازی سن بلوغ، بر طبق نظر الیاده، در میان اغلب اقوام جهان، به ترتیب شامل مراحل زیر است:

- آماده‌سازی زمین مقدس (جایی که در آن نوآموز تا هنگام جشن در انزوا باقی می‌ماند).
- جدایی از مادر به طُرق مختلف (این جداسازی گاهی با خشونت صورت می‌گیرد و گریه و سوگواری مادران، به سبب باور به مرگ کودکانشان را به همراه دارد).
- بردن نوآموز به پیشه، جنگل، اردوگاه و در مجموع جایی تاریک، دور از مکان اولیه، برای نمایاندن مرگ نمادین و ورود به جهان مقدس (برای آموختن سنت‌ها).
- انجام اعمال معینی بر روی نوآموز از قبیل ختنه، کشیدن دندان (همراه با جاری شدن خون، نماد قدرت و باروری) و گاهی کندن موی سر و...
- آموزش به وسیلهٔ موجودات برتر و فوق‌طبیعی که از طریق پدرخوانده یا نیاکان (بعضی از آشنانشوندگان قبلی) برگزار می‌شود. آزمون‌ها شامل مواردی؛ مانند: سکوت، نخوابیدن، آموختن آداب رزم، نگاه نکردن به نامحرم، گرسنگی، تشنگی، شنیدن و یادگیری افسانه‌ها، رقص‌ها، بالا رفتن از درخت و ستون نمادین (صعود به آسمان)، پرت کردن آتش بر روی سر و غلتیدن بر روی زمین می‌شد. این آموزش‌ها، بسته به مناطق مختلف، گاهی تا چندین سال طول می‌کشید؛ ولی معمولاً در شش یا هفت ماه خاتمه می‌یافت.

- مراقبت توسط نگهبان در جریان آموزش که در بعضی از مناطق، زنان این وظیفه را برعهده دارند (برای تهیه غذا، آب و آموختن نیروی داروگر و وظایفش).
- بازگشت به قبیله و جامعه انسانی، بعد از مرگ نمادین و بستن کمربند مردی، در هیأت انسانی جدید و تازه متولد شده (آگاه، مقدس و دارای جنسیت).

برزونامه

منظومه برزونامه، اثر عطاءبن یعقوب ناکوک رازی، داستانی حماسی است که در روند تاریخ حماسه سرایی، به نوعی ادامه دهنده و جزو داستان‌های شاهنامه به‌شمار می‌آید. موضوع این اثر که در قرن پنجم هجری سروده شده است، درباره سرگذشت برزو، فرزند سهراب و شرح زندگی و ماجراجویی‌های اوست. درباره شاعر این منظومه نظرات گوناگونی ارائه شده است. کسانی چون آنکتیل دوپرون، ادگار بلوشه، ذبیح‌الله صفا و محمد دبیرسیاقی، سراینده این داستان را «عطایی» دانسته‌اند. در مقابل، کسانی چون ژول مول و علی محمدی، در انتساب این اثر به «عطایی» تردید دارند. در سال‌های اخیر، اکبر نحوی برخلاف دیگران، شمس‌الدین کوسج را سراینده این منظومه معرفی می‌کند. از آنجا که مشخص کردن دقیق سراینده این حماسه به موضوع این مقاله ربطی ندارد، برای پرهیز از اطاله مطلب، در اینجا از ذکر دلایل هر یک از این محققان خودداری می‌کنیم. خواننده علاقمند برای آگاهی از نظرات هر یک از محققان می‌تواند به مقدمه جامع کتاب برزونامه، تصحیح اکبر نحوی، مراجعه کند.

نسخه‌های چاپ شده

در ایران تاکنون چهار نسخه از کتاب برزونامه به شرح زیر چاپ شده است:



الف) نسخهٔ محمد دبیرسیاقی، برگرفته از شاهنامه، چاپ کلکته (تصحیح ترنر ماکان)، همراه با کشف‌الایات، شامل ۳۶۶۴ بیت.

ب) نسخهٔ علی محمدی، به صورت تصحیح انتقادی از چهار نسخهٔ مختلف، شامل ۲۴۴۳ بیت.

ج) نسخهٔ نحوی، تصحیح‌شده بر پایهٔ پنج دستنویس، مشتمل بر ۴۲۴۱ بیت.

د) برزنامهٔ مثنوی که ترجمه‌ای از نسخهٔ گردی برزنامه است. این کتاب داستان‌های نسخهٔ جدید برزنامه را در بر می‌گیرد که در سه نسخهٔ دیگر مشاهده نمی‌شود و شامل داستان‌هایی دربارهٔ عشق‌ورزی‌ها و قهرمانی‌های برزو در میدان‌های مختلف است (ر.ک، یاقوتی، ۱۳۹۱).

یادآوری می‌شود که از میان نسخه‌های نامبرده، نسخهٔ مورد استناد ما در این مقاله، نسخهٔ «الف»؛ یعنی نسخهٔ محمد دبیرسیاقی است.

خلاصهٔ داستان

به‌طورکلی، داستان با سفر سهراب از توران به قصد جنگ با رستم آغاز می‌شود. سهراب که در این زمان چهارده سال داشت، قبل از نبرد با رستم، به شنگان می‌رود تا از آنجا اسبی برگزیند. سهراب در هنگام سان دیدن از اسبان خود، به دختری زیباروی به نام شهرو برمی‌خورد و بعد از شیفتگی، با او ازدواج می‌کند. سپس به قصد عزیمت به ایران از آنجا بیرون می‌آید و برای فرزند به دنیا نیامده‌اش یادگاری نزد آن زن می‌گذارد. شهرو، همسر سهراب، پس از چندی، برزو را به دنیا می‌آورد. برزو در خانهٔ پدربزرگ رشد می‌کند و در جوانی به کشاورزی مشغول می‌شود. از دیگر سو، افراسیاب به سبب فرار بیژن از زندان وی، شکست‌خورده از آخرین نبردی که با رستم کرده است، به توران زمین بازمی‌گردد. در

راه چون به شهر شنگان می‌رسد، برزو را که به کار کشت مشغول است، مشاهده می‌کند و فریفته اندام و بُرز و بالای او می‌شود و او را به خدمت می‌خواند. بعد از حضور برزو در پیشگاه سپاهیان، افراسیاب او را با درم و دینار و وعده دامادی دلگرم و نرم می‌کند و از او می‌خواهد که با رستم نبرد کند. شهرو برزو را از این کار برحذر می‌دارد؛ اما برزو به جنگ رستم می‌رود. در میدان نبرد، برزو ابتدا طوس و فریبرز را اسیر می‌کند و بازوی رستم را نیز می‌شکند؛ ولی در نهایت به دست فرامرز گرفتار می‌شود. فرامرز، طبق دستور رستم، او را به سیستان می‌برد و در قلعه «ارگ» زندانی می‌کند. شهرو برای رهایی او به ایران می‌آید و به کمک زنی رامشگر برزو را نجات می‌دهد؛ لیکن در راه بازگشت به توران‌زمین، به سپاه رستم برمی‌خورند و بار دیگر جنگ میان رستم و برزو درمی‌گیرد. این بار رستم بر برزو پیروز می‌شود و می‌خواهد او را بکشد؛ اما شهرو که بر بالای تپه‌ای ایستاده، پیش آمده و راز تولد برزو را بر رستم آشکار می‌کند و داستان معاشقه خود را با سهراب بازگو کرده، انگشتی سهراب را به رستم می‌دهد. روئین، پسر پیران، افراسیاب را از ماجرا آگاه می‌کند. در دربار توران، سوسن رامشگر، با مشاهده نگرانی افراسیاب، به عهده می‌گیرد که با افسون و چاره‌گری پهلوانان ایرانی را به بند آورد. سوسن به همراه پهلوانی «پیلسم» نام به ایران می‌آید و بر سر دوراهی میان سیستان و پایتخت ایران، بر کنار چشمه‌ای خیمه می‌زند و خود را رامشگری که از خشم افراسیاب گریخته و عزم دربار ایران دارد، معرفی می‌کند. از آن سو، پهلوانان ایران در ایوان رستم گرد آمده‌اند و به باده‌نوشی مشغول هستند و چنان‌که آیین مستان است، هر یک به نوبت، خودستایی‌ها می‌کنند. در این میان، طوس از جای برمی‌خیزد و از زورمندی و نژاد خویش سخن می‌گوید. گودرز او را سرزنش می‌کند. طوس خشمناک می‌شود و از ایوان رستم به زیر می‌آید و راه «ایران‌شهر» در پیش می‌گیرد. رستم در هنگام بازگشت، از ماجرا آگاه می‌شود، پهلوانان را سرزنش می‌کند. گودرز و به دنبال وی،

یکی پهلوانان از پی طوس روانه می‌شوند. هر یک از پهلوانان، زمانی که به خیمهٔ سوسن می‌رسند، دعوت او را می‌پذیرند؛ سوسن به هر یک می‌آلوده به «بیهوشانه» می‌دهد و به یاری «پیلسم» آنان را در بند می‌کند. تا آنکه فرامرز به خیمهٔ سوسن می‌رسد و نشان پی اسب دلاوران او را متوجه می‌کند که اتفاقی افتاده است. با شنیدن صدای شیههٔ اسب بیژن، فرامرز به مکر سوسن و اسارات پهلوانان پی می‌برد و با «پیلسم» وارد نبرد می‌شود؛ تا اینکه زال سر می‌رسد. زال رزم با «پیلسم» را ادامه می‌دهد و فرامرز را برای آگاه کردن رستم راهی می‌کند. «رستم» با «برزو» به میدان جنگ می‌آید. این رویداد به رسیدن لشکر «افراسیاب» از یک سو و آمدن لشکر «کیخسرو» از سوی دیگر منجر می‌گردد و در آخر «پیلسم» کشته می‌شود و افراسیاب یک بار دیگر شکست خورده، به توران می‌گریزد. در نهایت، پس از شکست افراسیاب، کیخسرو به زابلستان می‌رود و یک ماه آنجا می‌ماند و منشور غور و هری را با درفش عقاب‌پیکر به برزو واگذار می‌کند.

قبل از هرگونه تحلیل و بررسی، توجه به چند نکتهٔ زیر ضروری است:

- مراحل مطرح شده در نظریهٔ آشناسازی میرچا لیاده، برگرفته از ساختار اسطوره‌ها، آیین‌ها، داستان‌ها و افسانه‌های اقوام مختلف جهان است. به این معنا که او اشتراکات تمام این متون را، فارغ از افتراقتشان، در زیرمجموعهٔ اسطورهٔ آشناسازی و در چهارچوبی مشخص قرار می‌دهد؛ به همین سبب شاید داستانی را نتوان یافت که به‌طور مستقل و به‌ترتیب، تمام مراحل آشناسازی در آن ذکر و رعایت شده باشد.

- متونی را که لیاده در جهت استخراج اصول مراسم آشناسازی به کار می‌گیرد، بیشتر متن‌های افسانه‌ای، اسطوره‌ای و آثار مردم‌شناسان است. در این متون، مرزبندی میان دو ساحت خیال و واقعیت، نه‌تنها مشخص نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد، میان آن‌ها هم‌پوشانی نیز دیده می‌شود. در آثار حماسی، بیشتر بر واقعیت و واقع‌نمایی تاکید می‌شود؛

به همین دلیل برخی از اصولی که در نظریه‌ی یاده صبغه‌ی خیالی دارند، در حماسه‌ها یا یافت نمی‌شود یا بسیار کم‌رنگ جلوه می‌کنند.

- در آثار حماسی، بنا به مکان و فضای رزمی داستان، ماجراها و حوادث داستانی حول مردان یا جنس مذکر شکل می‌گیرد و به همین سبب زبان، کنش و اخلاق مردانه در این متون حاکمیت دارد و زنان، در صورت حضور در ماجراها، در سایه و حاشیه‌ی مردان قرار می‌گیرند. برخلاف متون حماسی، در نوشته‌های مردم‌شناسان، افسانه‌ها، آیین‌ها و اسطوره‌ها که محدودیتی از نوع محدودیت‌های داستان‌های حماسی برای زنان دیده نمی‌شود. به همین سبب تعدادی از اصول نظریه‌ی او که در آن محوریت با زنان و کنش کلیدی آن‌هاست، به اقتضای ساخت مذکر حماسه، یا در داستان نیامده یا به صورت تلویحی و پنهان تجلی پیدا کرده است.

آشناسازی در برزنامه، به دلیل ساختار حماسی و عوامل مطرح‌شده، طبیعتاً تغییراتی پیدا کرده است. با این وجود، می‌توان خطوط اصلی مراسم آشناسازی را در این حماسه‌ی ملی، به شکل کلی، ردیابی و بازنمایی کرد. به عبارت دیگر، نمی‌توان به صورت ترتیبی و منظم، مراحل رازآموزی را در این اثر نشان داد؛ زیرا در این حماسه، آشناسازی تنها یکی از لایه‌های معنایی این کتاب را به خود اختصاص داده است. تطابق شخصیت‌های این حماسه با ایفاگران اصلی مراسم آشناسازی را به صورت زیر می‌توان نشان داد:

نوآموز	برزو
مادر نوآموز	شهرو
آشناکننده	افراسیاب و رستم
نگهبان	رامشگر



شباهت‌های کارکردی مراسم آشناسازی در برزنامه

- در آغاز مراسم آشناسازی نوآموز برای آموزش به جایی دور از مکان اولیه برده می‌شود. در این حماسه افراسیاب با آمدن به شنگان، برزو را به این امر فرا می‌خواند. بدین‌گونه که افراسیاب سپهدارش را برای آوردن برزو می‌فرستد و به دنبال امتناع برزو از آمدن، او را با وعدهٔ پادشاهی، دامادی، سپهسالاری و بخشیدن هدایا به سوی خود می‌خواند.

بدو گفت ای گرد پهلونژاد	زمانه تو را داد دولت بداد
بیابی ز من دولت و کام تو	به شاهی کشد این سرانجام تو
همان کشور و دخترم آن توست	همان لشکرم زیر فرمان توست
ز توران‌زمین تا به ماچین و چین	تو را شهریاران کنند آفرین

(عطایی‌رازی، ۱۳۸۲: ۱۰۶-۱۰۳)

- در پی آگاهی شهرو از فریب برزو توسط افراسیاب، شهرو لابه‌کنان از برزو می‌خواهد که افراسیاب را همراهی نکند. طبق کارکرد آشناسازی، او خواهان ماندن برزو در جهان آرام و بدون دغدغهٔ کودکی است که هیچ مسئولیتی در قبال جامعه ندارد. در واقع، او خواهان ماندن برزو در امنیت و جهان دورهٔ کودکی است؛ ولی هیچ‌وقت، در هیچ جای جهان، ماندن در این دوره، توسط جامعه پذیرفته نشده و به تبع، برزو نیز با بی‌توجهی به لابه‌های مادر، پا در این وادی می‌گذارد. این امر باعث گریهٔ شهرو به سبب ترس از مرگ فرزند (نمادین) می‌شود. در مراسم آشناسازی، مادران، به هیچ وجه، از مراسم چیزی نمی‌دانند و به مرگ کودکانشان به دست خدایان و موجودات افسانه‌ای اعتقاد دارند؛ به همین دلیل به سوگواری و گریه می‌پردازند:

چو بشنید مادر فغان برکشید	سرشکش ز دیده به رخ برچکید
بدریید جامه همه در برش	بزد دست و برکند موی سرش

خروشان و جوشان بدو گفت بس
 همی آرزو رزم شیران کنی
 به روز جوانی به زر و درم
 چو برزو ز مادر سخن بشنوید
 بدو گفت ای مام نیکوسخن
 که کرده ست هرگز بدین گونه کس
 مرا خاکسار دو کیهان کنی
 مشو غره جان را مگردان دژم
 بدان خوب گفتار او نگرید
 مرا از یلان نیز ننگی مکن
 (همان: ۲۰۲-۱۹۷)

- در مراسم آشناسازی، آموزش آشناسونده به وسیله موجودات برتر، نیاکان و انسان‌های فوق‌طبیعی که جایگزین خدایانند، انجام می‌شود. در این حماسه، افراسیاب به همراهی سپاهیان‌ش عهده‌دار این وظیفه هستند و در طول شش ماه به آموزش نظامی برزو، جهت ورود به جامعه جنگاور می‌پردازند. اشکال این آموزش، بنا به مضمون رزمی داستان، یادگرفتن مبارزه با آلات گوناگون نبرد است.

- نوآموز با دسته آشناکنندگان و بزرگان، خواه‌ناخواه، به راه افتاده و به پیشه، جنگل، کلبه یا اردوگاه نظامی می‌رود. بر طبق آیین‌های پاگشایی، نوآموز در جایی تاریک، در انزوا و به تنهایی، به یادگیری آموزه‌ها می‌پردازد. در حماسه موردبحث، این مرحله در دو قسمت جداگانه دیده می‌شود. برزو ابتدا در آغاز داستان، در اردوگاه نظامی، در کنار سپاهیان افراسیاب آموزش می‌بیند؛ سپس در حصار تاریک رستم، در سیستان، در انزوا، مشغول به یادگیری تعالیم و آیین‌ها می‌شود.

- در طی مراسم، نگهبان یا نگهبانانی، سنت‌ها را به نوآموز آموزش می‌دهند. همان‌گونه که اشاره کردیم، در برخی مناطق، زنان عهده‌دار این مسئولیت هستند. در این داستان، خنیاگر خانه بهرام گوهرفروش، مراقب و مونس دوران انزوا، تأمل و تفکر برزو است؛ به گونه‌ای که در جریان رهایی از حصار (نماد جنین) و رسیدن به آگاهی و رهایی، یاور و



حامی او می‌شود. بنا به بافت داستان، نگهبانی و آموزش خنیاگر در شکل کمک به رهایی برزو آمده است.

- آشناشونده در پایان رازآموزی، با پذیرش نقش جدید، در کنار سایرین، در جامعه پذیرفته می‌شود. این انسان از نو متولدشده، با مشارکت در امر نوکردن جهان، به تکرار اعمال نیاکان و موجودات افسانه‌ای اقدام می‌نماید. در این حماسه، برزو با یادگیری آموزه‌ها و قبول نقش جدید، در طبقهٔ جنگاور پذیرفته می‌شود تا در کنار دو طبقهٔ فرمانروایان و پیشه‌وران، در ساختار آرمانی جامعهٔ ایرانی؛ یعنی طبقات سه‌گانه به انجام وظیفه بپردازد. از منظر توصیفی، مبتنی بر محتوای داستان، برزو در پایان حماسه، با پوشیدن لباس سپهسالاری و فرمانروایی غور و هری، در جرگهٔ جنگاوران پذیرفته می‌شود و بدین‌گونه مراسم آشناسازی به پایان می‌رسد.

نتیجه‌گیری

مطابق بررسی به‌عمل‌آمده، می‌توان بیان کرد که حماسهٔ برزنامه، در یکی از لایه‌های معنایی، در بر دارندهٔ پیرنگ و ساختار مراسم آشناسازی است. مراسمی که بنا به مضمون رزمی حماسه، هدف از آن، ورود نوآموز به طبقهٔ جنگاور و سپاهی است. قهرمان این حماسه، برزو که در جهان کودکی به سر می‌برد، با جدایی از مادر به سپاه افراسیاب می‌پیوندد و با پشت‌سر گذاشتن موفقیت‌آمیز آزمون‌های دشوار، زیر نظر آموزگاران چون افراسیاب و رستم و ورود به طبقهٔ جنگاوران و بستن کمربندجنگی، به آشناسازی تن می‌دهد و در نهایت، با پذیرش از جانب طبقهٔ جنگاور و پوشیدن لباس نبرد، به رسالت جدید خود؛ فرمانروایی بر سرزمین غور و هری و حمایت از طبقهٔ کشاورز، می‌پردازد.

منابع

- الیاده، میرچا. (۱۳۶۸)، آیین‌ها و نمادهای آشناسازی، رازهای زادن و دوباره زادن، ترجمه نصرالله زنگوئی، تهران: آگاه.
- کوسج، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۷)، برزوانامه (بخش کهن)، تصحیح اکبر نحوی، تهران: میراث مکتوب.
- ناکوک، عطاءبن یعقوب. (۱۳۸۴)، حماسه برزوانامه، به کوشش علی محمدی، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- عطایی‌رازی، عطاءبن یعقوب. (۱۳۸۲)، برزوانامه، محمد دبیرسیاقی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کمبل، جوزف. (۱۳۸۹)، قهرمان هزارچهره، ترجمه شادی خسرو پناه، چاپ چهارم، مشهد: گل آفتاب.
- _____ (۱۳۹۱)، قدرت اسطوره، ترجمه عباس مخبر، چاپ هفتم، تهران: مرکز.
- کوپ، لارنس. (۱۳۸۴)، اسطوره، ترجمه محمد دهقانی، تهران: علمی فرهنگی.
- گرین، ویلفرد و همکاران. (۱۳۸۵)، مبانی نقد ادبی، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ چهارم، تهران: نیلوفر.
- معقولی، نادیا و همکاران. (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی کهن‌الگوی سفر قهرمان در محتوای ادبی و سینمایی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی نشریه مطالعات تطبیقی هنر، سال دوم، شماره سوم، صص ۹۹-۸۷.
- یاقوتی، منصور. (۱۳۹۱)، برزو نامه- شاهنامه کردی، تهران: ققنوس.